

# ارائه دلایلی برای لزوم ترویج مدارس مجازی

یا

## مدرسه سنتی، آری یا خیر؟

آرش رستگار

**خلاصه** – شرایط برگزاری مدارس مجازی در دوران بیماری همه گیر کرونا این سوال را پیش می آورد که آیا هنوز برای جامعه به صرفه است که برای مدارس سنتی به عنوان یک زیرساختار اجتماعی هزینه کند؟ به نظر بسیاری از متخصصان چنین می رسد که دوران مدارس سنتی به سر آمده است. در این مقاله این دیدگاه به نقد گذاشته میشود.

**مقدمه** – مدرسه مدرن در تاریخ ایران سابقه ای چندان طولانی ندارد و مدیریت مدارس مدرن توسط یک وزارتخانه که یک ساختار اجتماعی سرتاسری است، از آن هم سابقه کمتری دارد. پیش از این که مدرسه و یا کلاس درس به شیوه امروزی در جامعه ظهور پیدا کند، ساختار اجتماعی کوچکتری به نام مکتبخانه برای قرون متمادی برای آموزش کودکان در جامعه ایران وجود داشت. پس از مکتبخانه، دانش آموزان مستعد یا برای آموزشهای خاص نزد اساتید گمارده می شدند یا به حوزه های علمیه میپیوستند. حوزه های علمیه هم تاریخ چندان طولانی ندارند. پیش از آنها نظامیه ها برای تربیت طلاب تشکیل شده بودند و قبل از آن موسسات تربیتی جامع همه گیر نبود و تک و توک اینجا و آنجا تشکیل میشد و تشکیل آنها وابسته به فرصتها و شرایط اجتماعی خاص بود و ساختاری همه گیر و سرتاسری وجود نداشت. به نظر نگارنده می رسد که اگرچه تحت تاثیر عصر اطلاعات چندی است ساختار دانشگاه نیز دستخوش تحول شده است، اما هنوز این پرسش که دانشگاه، آری یا خیر؟ محل اعراب ندارد. در مورد آموزش مدرسه ای اما، چنین نیست. ساختار مدارس، اگر هم قرار نیست برچیده شود، نیازمند بازنگری جدی است. اگر هم در این زمینه قدمی برنداریم، جامعه جهانی و استانداردهای جهانی ما را وادار خواهد کرد که چنین کنیم و البته فرصت بازسازی ساختارهای اجتماعی بر اساس فرهنگ و انسان شناسی خودمان را هم از ما خواهد گرفت. بنابراین، رسیدگی به این سوال امری گریزناپذیر است.

## 1- مدرسه و کسب مهارت‌های شهروندی

یکی از کارکردهای مدرسه کسب مهارت‌های شهروندی است. هر چند نظام آموزشی در این آموزشها بسیار کوتاهی کرده است، اما این یکی از ابعاد مهم حضور دانش آموزان در مدرسه است. به جز ارتباط اجتماعی که در سرفصلی دیگر به آن خواهیم پرداخت، بسیاری از مهارت‌های شهروندی لازم است در محیط طبیعی آن یعنی در خیابان یا سایر محیط‌های شهروندی آموزش داده شوند که البته این شرایط در مدرسه برای آموزش دانش آموزان فراهم نیست. به جز مدارس خاص که آزمایشگاه و کارگاه دارند و آموزشهای عملی در اختیار دانش آموزان می گذارند، اکثر آموزشها در سطح مدرسه در کلاس درس به اجرا گذاشته میشوند. محتوای آموزشی هم در طی سالها چنان شکل گرفته که قابل ارائه در کلاس درس باشد. یک مؤلفه مهم در آموزش کلاسی ارتباط چهره به چهره معلم و دانش آموز است که یک فرصت محسوب میشود که باید در نظام آموزشی از این فرصت استفاده کرد. کسب مهارت‌های شهروندی در ساختار کلاس درس عمدتاً محدود به توصیف کلامی و تصاویر آماده شده در کتاب درسی است، که ابزارهای ضعیفی برای آموزش این محتوای آموزشی محسوب می شوند. بسیاری از مهارت‌های شهروندی در عمل توسط خانواده به دانش آموزان انتقال پیدا میکنند. خانواده فرصت دارد که در محیط طبیعی شهر مهارت‌های شهروندی را آموزش دهد و سپس آموزشهای خود را عملاً ارزشیابی کند و دانش آموز را در صحنه عمل ببیند و رفتار او را به نقد بگذارد و او را راهنمایی کند. اصولاً، این فلسفه کلی که همه آموزشهای دانش آموزان به عهده مدرسه باشد، نگاه صحیحی به آموزش نیست و از طرفی دانش آموزان را از پدر و مادر دور می کند و از طرفی فرصت‌های یادگیری در دسترس در صحنه خانواده را مورد استفاده قرار نمی دهد. البته یک نکته مثبت در ساختار مدرسه یادگیری جمعی توسط دانش آموزان است. دانش آموزان بسیاری نکات را از یکدیگر یاد می گیرند و یا با مشاهده اشتباهات دیگر دانش آموزان تجربه پیدا می کنند. یادگیری جمعی در صحنه خانواده در دسترس نیست. ولی میتوان راهکارهایی برای جبران آن در خارج از محیط مدرسه پیشنهاد کرد. بسیاری از مهارت‌های شهروندی الزاماً باید به صورت جمعی یاد گرفته شوند.

## 2- مدرسه و ادامه تحصیل

هدف اصلی بسیاری از دانش آموزان از حضور و شرکت در ساختار اجتماعی مدرسه، امکان ادامه تحصیل در دانشگاه برای به دست آوردن آمادگی شغلی می باشد. البته ممکن است هدف دانش آموزی نیز از ادامه تحصیل تنها یادگیری و یا پرورش شناخت باشد. در هر حال در ساختار فعلی دانشگاهها، فارغ التحصیلی از مدارس شرط لازم برای شرکت در نظام آموزش عالی است. هر چند بسیاری تصور میکنند وارد شدن به دانشگاه تضمین کننده شغل مناسب است و بدون مدرک مناسب نمی توان شغل دندان گیری با حقوق مکفی داشت، پیوستن به دانشگاه و شرکت در آن تنها راه ممکن برای موفقیت شغلی و خوشبختی و بدست آوردن جایگاه اجتماعی نیست؛ اما در فرهنگ عمومی امروز مدرک گرایی بسیار رواج دارد. آنچه مدرسه را مهم می کند جایگاهی است که این موسسه اجتماعی به عنوان یک نظام ارزشیابی کننده به دست آورده است. این اعتبار مدرک دیپلم متوسطه است که دانشگاه به آن تکیه میزند و روی آن حساب میکند و بدون این مدرک، بار سنگین ارزشیابی یک میلیون دانش آموز به عهده نظام دانشگاهی خواهد بود. هر چند که ساختار آموزش عالی، کنکور سراسری را ترتیب داده تا به زعم خود عدالت آموزشی را برقرار سازد، اما باز تکیه بر استانداردهای ارزشیابی مدارس غیرقابل جایگزین است. این امتحانات در طی سالهای طولانی و به مرور و به صورت تشریحی گرفته شده‌اند و پس از ارزشیابی معلم با دانش آموزان در مورد صحت پاسخ هایشان

تعامل داشته است. خلاصه اینکه نظام آموزش عالی بر نظام آموزش مدرسه ای تکیه میزند و به آن نیاز دارد و این خود دلیل محکمی برای مشروعیت مدرسه است. اگر بخواهیم برای ساختار مدرسه بدیلی قائل شویم ناچاریم برای این کارکرد نظام آموزش مدرسه ای فکری بکنیم. آمادگی دانش آموزان برای کنکور گردش مالی بزرگی در جامعه ایران را به خود اختصاص داده است.

### 3- مدرسه و خانواده

نقش دیگری که مدرسه در نظام خانواده ایفا می کند نگهداری از فرزندان برای نیمی از روز است. تعطیلی مدارس در روزهای پنجشنبه برنامه بسیاری از خانواده ها را به هم ریخت. چون مجبور بودند برای مشغول کردن فرزندان در روزهای پنجشنبه علاوه بر روزهای جمعه برنامه ریزی کنند. در دوران کرونا که دانش آموزان از آموزشهای برخط بهره مند می شدند، نه تنها خانواده ها ناچار بودند برای نگهداری فرزندان در تمام ساعات روز برنامه ریزی کنند، بلکه به ناچار فراهم کردن لوازم بهره برداری از امکانات مجازی را نیز بر عهده گرفتند. از طرف دیگر، بسیاری از خانواده ها وقت زیادی برای تربیت فرزندان نمی گذارند و این وظیفه را تماماً به عهده مدارس آنها می گذارند. در مدارس غیرانتفاعی وضع پیچیده تر است. چون والدین به خاطر هزینه ای که می پردازند از مدرسه انتظاراتی دارند و به بهانه این انتظارات اجازه پیدا میکنند در ساختار مدرسه دخالت کنند و گهگاه خواسته هایی را مطرح میکنند که برای تربیت فرزندان تناسب ندارند. مثلاً از مدرسه می خواهند معلم دانش آموزان را تعویض کنند و یا خواسته هایی دارند که منطبق بر عدالت آموزشی نیست. مدارس غیرانتفاعی از این فرصت استفاده می کنند و در بالا بردن شهریه ها از یکدیگر سبقت میگیرند و سرویسهای آموزشی را که در اختیار دانش آموزان قرار میدهند به عنوان وسیله ای برای جلب ثروت والدین به کار میبرند و این خود گردش مالی بسیار بالایی در جامعه را به خود اختصاص می دهد.

### 4- مدرسه و روابط اجتماعی دانش آموزان

مهمترین کارکرد مدرسه در کنار آموزش محتوا فراهم کردن شرایطی برای ارتباط جمعی دانش آموزان است. دانش آموزان در مدرسه فرصت پیدا می کنند دوست پیدا کنند و دوست داشتن و دوستیابی را تجربه کنند و اخلاق دوستیابی و نگهداری دوست را یاد بگیرند. روابط اجتماعی به تفریح با دوستان خلاصه نمی شود. ارتباط معلم به عنوان یک بزرگتر و راهنما و ارتباط با مسئولین مدرسه نیز آدابی دارد که دانش آموز در مدرسه با آنها آشنا میشود. با وجود این که این نقش مدرسه بسیار مهم است، مدارس ایران این نقش را بسیار ضعیف ایفا میکنند. مشاوران راهنما در اختیار دانش آموزان قرار ندارند و مسئولین تربیتی به اندازه کافی آموزش ندیده اند و یا ساختار شناختی ایشان برای ایفای چنین نقشی تناسب ندارد. مدارس خاصی که فارغ التحصیلان آنها چندین سال ارتباطات خود را حفظ کنند بسیار کم پیدا می شوند و مدارس به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط اجتماعی بین اولیا هم بسیار ضعیف عمل می کنند. این نقصها در نظام آموزش مدرسه ای خودشان را در جامعه نشان می دهند و به صورت نقص های کلانی بروز و ظهور پیدا می کنند. دانش آموزان وقتی به جامعه می پیوندند نه تنها مهارتهای شهروندی لازم را ندارند، بلکه در روابط اجتماعی نیز به طور صحیح تربیت نشده اند. نقش مکمل خانواده ها نیز تأثیر کم رنگی دارد، چرا که در بسیاری از مناطق محروم ایران، خانواده های دانش آموزان اغلب تحصیلکرده نیستند و از سطح بالای فرهنگی برخوردار نمی باشند و مدرسه هم توان جبران این کمبود در این خانواده ها را ندارد، چرا که اهرمهای لازم را در دست ندارند.

## 5- مدرسه به عنوان یک مؤسسه اجتماعی

یک مؤسسه اجتماعی با بسیاری از مؤسسات دیگر تعامل دارد. مدارس با سایر مدارس، ادارات آموزش و پرورش مناطق شهری، ادارات آموزش و پرورش شهرها و استانها و ادارات آموزش و پرورش در مرکز، ارتباط دارند. ساختار آموزش و پرورش با ساختار آموزش عالی نیز در ارتباط است. برای شرکت در اردوهای علمی و تفریحی ساختار مدارس با ساختارهای متنوع دیگری نیز ارتباط پیدا میکند. حذف یک مؤسسه اجتماعی با این عظمت به طور سرتاسری و ناگهانی از ساختار جامعه کاری ناممکن می نماید و تنها راه برای بازنگری آن، ساختن ساختارهای رقیب در کنار آن است که به طور آهسته و بی سر و صدا جایگاه این ساختار را غصب کند. در روم باستان رسم بود که در کنار شهرهای بزرگ تاریخی شهرهایی به نام پلیس بنا می کردند و امکانات زندگی بهتری را در این شهرها فراهم می کردند. ساکنان شهرهای تاریخی به مرور به شهرهای جدید تغییر سکونت می دادند و شهرهای تاریخی کم کم به شهرهای متروکه ای تبدیل می شدند. شهر بابل که قدمت بیش از چند هزار سال داشت، به همین روش ساکنان خود را از دست داد. یک مؤسسه اجتماعی ریشه دار را هم نمی توان به راحتی و به سرعت از صحنه جامعه کنار زد و این کار باید به مرور انجام بگیرد و ساختارهای جایگزین توانمندی خود را در ایفاء نقش مدارس به اثبات برسانند و قبول جمعی پیدا کنند، به طوری که مردم به طور طبیعی گرایش به ساختارهای جدید پیدا کنند و ساختارهای قدیمی کارکرد اجتماعی خود را به مرور از دست بدهند. این همان اتفاقی است که برای مکتب خانه ها در ساختار آموزش ایران افتاد و از جایی به بعد به سرعت محو شدند و به فراموشی سپرده شدند و همه توجه ها به ساختار جدید مدارس نوین جلب شد و برای مدیریت این نظام نوین وزارت خانه ای تشکیل گردید.

## 6- ساختار اجتماعی عصر اطلاعات

عصر اطلاعات که از آخر قرن بیستم شروع شد و اکنون سه دهه از آغاز آن می گذرد، تاثیراتی تعیین کننده بر اقتصاد و ساختار جامعه گذاشت. از جمله بسیاری فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را نتیجه آغاز عصر اطلاعات می دانند. زیر سایه عصر اطلاعات، طبقه ای اجتماعی به نام جامعه اطلاعاتی تشکیل شد که به استعمار جامعه بیرون از خود می پردازد. عصر اطلاعات بر ساختار مشاغل و تحقیقات علمی و توسعه تکنولوژی تأثیری شگرف داشت. نهاد مدرسه برای این طراحی نشده است که دانش آموزان را برای عصر اطلاعات آماده نماید و ساختار شهروند در عصر اطلاعات با ساختار شهروندی که در نهاد مدرسه آموزش داده می شود تفاوتی عمده دارد. به خصوص مدرسه نمی تواند دانش آموز را چنان تربیت کند که به جامعه اطلاعاتی وارد شود. دانش آموزانی که در مدرسه تربیت می شوند، در عمل برای این آماده می شوند که در بیرون جامعه اطلاعاتی به کار بپردازند و تحت استعمار جامعه اطلاعاتی قرار بگیرند. از این رو به ساختاری جدید نیاز هست که دانش آموزان را برای ورود به جامعه اطلاعاتی آماده نماید و سعی کند در کنار آن کارکردهای نظام مدرسه را نیز داشته باشد، به طوری که دانش آموزانی که به ساختار جدید ملحق می شوند، در مهارتهای زندگی، شغلی و شناختی از دانش آموزان تحصیل کرده در مدارس چیزی کم نداشته باشند و بتوان آنها را ترغیب کرد که به ساختار جدید بپیوندند. برای جبران جای خالی این ساختار جدید، مفهومی با عنوان مدرسه مجازی تعریف خواهیم کرد و سعی می کنیم کارکردهای مختلف مدارس سنتی را با طراحی مناسب در مدارس مجازی به روز نماییم.

## 7- کسب مهارت‌های شهروندی در عصر اطلاعات

در آموزش برخط کسب مهارت‌های شهروندی در عمل به عهده خانواده و نهاد مدرسه محله گذاشته می‌شود، اما اطلاع‌رسانی و آموزش برخط بسیار غنی‌تر از نهاد مدرسه سنتی در مدرسه مجازی قابل‌اجراست. چرا که حجم منابع و تنوع آنها با منابع در دسترس غیر قابل‌مقایسه است. برای مثال، کاربرد ویدیوهای آموزشی بسیاری از مهارت‌های شهروندی را قابل‌آموزش می‌کند که در مدرسه سنتی امکان آموزش آن وجود نداشت. طراحی بازیهای کامپیوتری و بازیهای اینترنتی تعاملی می‌توانند نقش مهمی را در این مهم برآورده کنند. بعضی از مهارت‌های عملی نیز می‌توانند توسط خانواده به طور عملی به فرزندان آموزش داده شود و مدرسه مجازی امکان آموزش والدین برای ارائه این خدمت به فرزندان را نیز دارد. بعضی از مهارت‌های شهروندی نیز باید به طور دسته‌جمعی آموخته شوند. برای مثال، حضور در یک موسسه به صورت گروهی، یا مسافرت گروهی، یا اردوهای علمی و تفریحی-گروهی. چنین رویدادهایی می‌توانند توسط پدر و مادرها که در یک همسایگی نزدیک هم قرار دارند طراحی شود، تا مدارس مجازی ناچار نباشند دانش‌آموزانی را بپذیرند که به طور فیزیکی در یک همسایگی یا در یک محله قرار دارند. به علاوه از آنجا که تنوع درسها در ساختار آموزش مجازی راحت‌تر قابل‌دسترسی است، دانش‌آموزان علاقمند می‌توانند در یادگیری مهارت‌های شهروندی خاص و تخصصی‌تر توسط مدرسه مجازی حمایت شوند. دانش‌آموزان مدرسه مجازی تعدادشان بسیار بیشتر از دانش‌آموزان مدارس سنتی است. لذا تشکیل کلاسهای خاص برای دانش‌آموزان علاقه‌مند به راحتی به حد نصاب میرسد. برای مثال، می‌توان درس‌هایی برای مهارت‌های سفر کردن، سخن‌گفتن به زبانهای خارجی، کوه‌نوردی، طبیعت‌گردی و یا حتی تدریس دروس پایه به زبان‌های خارجی تشکیل داد.

## 8- ادامه تحصیل در عصر ارتباطات

مدرسه مجازی با استانداردهای نظام ارزشیابی خود و با کاربرد تکنیک‌های مدرن مانند احراز هویت مجازی می‌تواند مدرکی با همان ارزش مدرک دیپلم مدارس سنتی ارائه نماید. یکی از نکاتی که باعث میشود حجم دانش‌آموزان مدارس سنتی محدود شوند، وظیفه ارزشیابی این دانش‌آموزان است. مدارس مجازی می‌توانند با کمک تکنولوژی جدید، روشهای جدیدی در ارزشیابی و حتی در آموزش طراحی کنند که حل این مشکل را آسان‌سازد و بتوان با کمک گرفتن از معلمان در فضای مجازی پیشرفت تحصیلی تعداد زیادی از دانش‌آموزان را ارزشیابی کرد و همزمان توانایی معلمان در ارزشیابی را مورد ارزیابی قرار داد و ایشان را برای ارائه این خدمت آموزش داد و راهنمایی کرد. با این وصف دانش‌آموزان مدرکی دریافت خواهند کرد که امکان ادامه تحصیل در دانشگاه‌های سنتی را برایشان فراهم می‌کند. البته قسمت قابل‌توجهی از دانش‌آموزانی که در مدارس مجازی تحصیل کرده‌اند، در دانشگاه‌های مجازی ادامه تحصیل خواهند داد. و از بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مجازی، قسمت قابل‌توجهی به مشاغل مجازی گماشته خواهند شد و به فرصتهای شغلی عصر اطلاعات راه پیدا خواهند کرد. بنابراین، ساختار مجازی شاه‌راهی برای تربیت دانش‌آموزان برای پیوستن به جامعه اطلاعاتی خواهد بود. این وظیفه‌ای است که مدارس سنتی در انجام آن موفقیت‌چندانی بدست نیاورده‌اند و حتی دانشگاه‌های سنتی در خط مقدم تربیت نیرو برای پیوستن به جامعه اطلاعاتی نیستند. بنابراین، جامعه راه را برای توسعه ساختار مدارس مجازی باز خواهد کرد و خود را با آن تطبیق خواهد داد و در نهایت آن را به عنوان یک ساختار اجتماعی جایگزین برای مدارس سنتی خواهد پذیرفت.

## 9- عصر اطلاعات و خانواده

بار نگهداری از دانش آموزان در مدارس مجازی بر دوش خانواده خواهد بود. از طرفی یکی از اولیا لازم است در خانه بماند و یا در خانه به کار مجازی اشتغال داشته باشد تا بتواند کودک و دانش آموزان را نگهداری کند. می توان به طور موضعی در هر محله ای چیزی شبیه مهدکودک نیز برای دانش آموزان تشکیل داد تا این مؤسسات دانش آموزان را در ساعتهای استفاده از کلاسهای مجازی نگهداری نمایند. ممکن است تصور شود این کار بسیار دشوار است. اما تجربه دوران کرونا نشان داده است که حتی حمایت دانش آموزان در خانه برای اکثر خانواده ها امری ممکن و شدنی است. تنها یک نکته نیاز دانش آموزان به تنوع محیط زندگی است. خانواده ها لازم است فرصتهای تفریحی بیشتری برای فرزندان فراهم کنند و در تعطیلات آخر هفته به مسافرتها یا هر چند کوتاه بروند تا فرزندان از محیط تکراری خانه خسته نشوند. این سیستم در بسیاری از کشورهای پیشرفته عملاً اجرا شده است و فرصتی برای به هم نزدیکتر شدن اعضای خانواده را نیز فراهم می کند. انجام خریدهای خانه با حضور فرزندان در فروشگاههای بزرگ خود می تواند تنوعی برای فرزندان محسوب شود. ساختارهایی مانند کلاسهای ورزشی و تفریحی در هر محله می تواند تنوع لازم برای فرزندان را فراهم نماید. خلاصه آن که به نظر می رسد، این بزرگترین مشکل توسعه مدارس مجازی، مسئله ای است که ساختار جامعه قادر به حل آن خواهد بود و با تدبیر اندیشی می توان از صدمات آن کاست. ضمناً ایجاد تنوع در زمان آغاز سال تحصیلی برای دانش آموزان مختلف از امکاناتی است که می تواند به خانواده ها کمک کند و چنین امکانی در مدارس سنتی فراهم نیست. این آزادی ساختاری جدید می تواند به خانوادههای خاص کمک کند که با فراغ بال بیشتری سفرهای بلندمدت خانواده خود را مدیریت کنند.

## 10- عصر اطلاعات و روابط اجتماعی دانش آموزان

روابط اجتماعی دانش آموزان در مدارس مجازی به روابط اجتماعی مجازی محدود خواهد شد و اگرچه این چیز خوبی نیست، اما اتفاقی است که تحت تاثیر عصر اطلاعات و تکنولوژیهای جدید در هر حال خواهد افتاد. پس باید به جای مبارزه با آن، برای حل این مشکل راه حلی پیدا کرد. روابط اجتماعی سینه به سینه و چهره به چهره در عصر اطلاعات لازم است توسط خانواده مدیریت شود. این مسئله ایجاب میکند که خانواده به ارتباطات اجتماعی با دوستان و آشنایان و فامیل بسنده نمایند و ارتباطات گسترده تری را به خاطر فرصت دادن به فرزندان برای یادگیری و تجربه مهارتهای اجتماعی، در زندگی خود در نظر بگیرند. مسافرتها دسته جمعی، پیکنیکهای دسته جمعی، گردهمایی ساکنان یک آپارتمان یا یک کوچه، یا گردهمایی در مراسم آیینی در مساجد، ارتباط صمیمی تر با همسایگان، ارتباط محکم تر با همه اعضای فامیل راهکارهایی است که به نظر می رسد تا بتوانیم کمتر شدن روابط اجتماعی دانش آموزان در اثر حذف ساختار مدارس سنتی را جبران کنیم. در صورتی که این راهکارها عملی شوند، ساختاری بسیاری طبیعی تر و قدرتمندتر برای تجربه روابط اجتماعی برای دانش آموزان فراهم خواهد شد. چرا که در مدارس سنتی ارتباطات اجتماعی با همکلاسیها و معدودی از مسئولین مدرسه شکل می گیرند، اما در سیستم پیشنهادی ما تنوع بسیاری در برقراری روابط اجتماعی وجود خواهد داشت. به علاوه، خانواده ها نیز در این نظام جدید برای برقراری روابط اجتماعی تشویق خواهند شد. در حالی که در نظام سنتی، مدارس و بسیاری از خانواده ها در روابط اجتماعی به حداقل ها بسنده می کردند و حتی روابط سالمی با فامیل درجه اول خود نداشته اند. ارتباطات با همسایگان تقریباً به صفر رسیده بود و تقریباً والدین تنها به ارتباطات اجتماعی محیط کار بسنده می کردند. برای بعضی مشاغل، این ارتباطات به

اندازه کافی غنی بود و برای والدین کفایت میکرد. اما بعضی مشاغل هم به اندازه کافی والدین را در ارتباط با اجتماع قرار نمی دادند.

## 11- عصر اطلاعات و مؤسسات اجتماعی نوین

مدرسه مجازی در برقراری ارتباط با مؤسسات اجتماعی سنتی از جهتی ضعیف تر است. اما می توان تجربه های مجازی اردوهای علمی برای دانش آموزان را فراهم کرد. مهمترین تجربه های ارتباطات مدرسه مجازی، برقراری ارتباط با مؤسسات اجتماعی مجازی دیگر است. این مؤسسات میتوانند سرویس هایی را در اختیار مدارس مجازی قرار دهند یا درسهایی را برای ایشان ارائه نمایند و یا فرصت هایی مجازی را در اختیار دانش آموزان قرار دهند. مسلم است که مدارس مجازی نیاز دارند توسط یک سری از ساختارهای اجتماعی سنتی نیز حمایت شوند و این کار نیازمند تعامل است. برای مثال، وزارت آموزش و پرورش لازم است این مدارس را به رسمیت بشناسد و یا وزارت آموزش عالی باید حاضر باشد از این مدارس دانشجو بگیرد. یا مدرسه باید بتواند در سطح بین المللی مورد توجه قرار بگیرد، به طوری که دانشگاههای بین المللی حاضر باشند مدرک این مدارس را به رسمیت بشناسند. حمایت دانش آموزان با استعداد و جبران عقب ماندن دانش آموزان ضعیف تر نیز مسئله ای است که مدارس مجازی باید رأساً به آن اقدام کنند و یا می توانند به مؤسسات حامی سنتی و یا مجازی تکیه نمایند. جا افتادن مدارس مجازی به عنوان یک مؤسسه مدرن در جامعه سنتی راهی است که بی پستی و بلندی هم نیست و باید جایگاه این مدارس در جامعه با مدیریت صحیح رفته رفته محکم تر گردد. این موفقیت نیازمند به وجود آوردن ساختاری برای ارزیابی کارکرد مدارس مجازی است. چون افتتاح یک مدرسه مجازی با سرمایه بسیار کمی ممکن است، تعداد زیاد مدارس مجازی منجر به این خواهد شد که حفظ استانداردهای آموزش در مدارس مجازی به معضلی همه گیر تبدیل شود که به این سادگی نمی توان آن را چاره کرد.

## 12- نقد تحولات ناشی از عصر اطلاعات در ساختار مدرسه

حال به نقد ساختاری که پیشنهاد کردیم می پردازیم. مسلماً این ساختار فاصله بین جامعه اطلاعاتی و بیرون آن را بیشتر خواهد کرد. فاصله بین آموزش دانش آموزان شهری و روستایی بیشتر خواهد شد و این در جهت عدالت آموزشی نیست. مگر آنکه دولت از آموزش خانواده های کم درآمد حمایت نماید و یا سازمانهای خیریه در این جهت اهتمام لازم را مبذول دارند. این خود بهانه ای خواهد بود که به خاطر مدرسه فرزندان، خانواده هایی که مستعد پرداخت شهریه نیستند، تحت حمایت سازمانهای خیریه قرار بگیرند. از طرف دیگر، وظایف جدید خانواده ها برای سرگرم نگه داشتن فرزندان به هزینه های جاری آنان می افزاید. برنامه ریزی سفرهای شهری و سفرهای حومه شهری و سفرهای چند روزه به طور مستمر به ناچار امری همه گیر خواهد بود و این احتیاج به بنیه اقتصادی قوی تری دارد و خانواده های محروم دارای توانایی ارائه چنین خدماتی به فرزندان نیستند. بسیاری از خانواده ها حتی از وسایل نقلیه محروم هستند. مسلم است که جایگیری ساختار مدارس مجازی در جامعه زمان بر است و به این سادگی ساختار مدارس سنتی کنار نخواهد رفت. پس جا دارد مدارس مجازی تلاشهایی نیز در حمایت ساختار مدارس سنتی ارائه نمایند. این به حفظ جایگاه اجتماعی مدارس مجازی نیز کمک خواهد کرد.

مهمترین نقد به مدارس مجازی به کل جامعه اطلاعاتی وارد است. تجربه طبیعت در چنین روش زندگی محدودتر خواهد شد و این کار انسان را از روح طبیعت دور می‌کند. در نهایت این مسئله بر خداپرستی بشر نیز تاثیر خواهد گذاشت و خدای انسان را به سمت یک خدای مجازی که حیات ندارد سوق خواهد داد. روشن است که چنین جهت گیری ای در جهت نابودی بشریت قدم خواهد برداشت.